

سرنوشت شوم زندانی‌ای که بخشیده شد

6 دی 1404

مرد جوان که در نزاعی خانوادگی دایی‌اش را به قتل رسانده و پس از سال‌ها حبس با رضایت اولیای دم آزاد شده بود به خاطر ورود به یک باند قاچاق مواد مخدر دستگیر و به اعدام محکوم شد.

داستان بدبختی‌های مرد جوان از سال 1385 آغاز شد. زمانی که به خاطر اختلاف‌های خانوادگی، دایی خود را با ضربات چاقو به قتل رساند و از سوی پلیس دستگیر شد.

ارثیه خونین

شایان در بازجویی‌ها درباره انگیزه خود از این جنایت گفت: «دایی‌ام سهم مادرم از ارثیه خانوادگی‌اش را نمی‌داد و سر همین مسأله اختلاف داشتیم. روز حادثه برای صحبت با او به خانه پدربزرگم که دایی‌ام آن را تصاحب کرده بود، رفتم و درخواست کردم سهم مادرم را بدهد. اما او زیر بار نمی‌رفت و سر همین مسأله دعوایمان شد و با چاقوی میوه‌خوری که روی میز بود او را مجروح کرده و متواری شدم.» با اعتراف شایان به جنایت، او در دادگاه کیفری پای میز محاکمه رفت. با توجه به درخواست مادر مقتول و فرزندان او، اعترافات متهم به جنایت، بازسازی صحنه قتل و مدارک و شواهد موجود در پرونده، حکم قصاص شایان صادر شد.

با تأیید این حکم در دیوان عالی کشور، نام پسر جوان در لیست اجرای حکم قرار گرفت. هر چند مادربزرگ در همان روزهای اول، از قصاص نوه‌اش گذشت کرد اما فرزندان مقتول همچنان خواهان قصاص بودند. روزی که شایان پای چوبه دار رفت و طناب به دور گردنش آویخته شد آنها به شرط دریافت دیه‌ای سنگین از قصاص پسر عمه خود گذشت کردند.

ورود به باند قاچاق

شایان پس از آزادی و بازگشت دوباره به زندگی، از آنجا که دیگر هیچ سرمایه و پولی نداشت، تصمیم گرفت زندگی را از صفر شروع کند اما اشتباهش این بود که می‌خواست ره صد ساله را یک شبه برود. به همین خاطر بعد از کلی پرس و جو وارد بازار خرید و فروش ارز شد. اما نوسانات ارزی و خیانت شریکش باعث شد که بدهی زیادی بالا بیاورد و مشکلاتش چندین برابر شد.

او که کم‌کم قدم به میانسالی می‌گذاشت در جست و جوی راه‌حلی برای ورشکستگی و پرداخت پول طلبکارانش بود که خیلی اتفاقی در یکی از روزهای شهریور امسال یکی از هم‌سلولی‌هایش را دید و سفره دلش را پیش او باز کرد، اما همین درد دل دوستانه او را با پیشنهادی روبه‌رو کرد که نه تنها کمکی به او نکرد بلکه بار دیگر او را تا پای چوبه دار کشاند.

به پیشنهاد هم‌سلولی‌اش او وارد باند قاچاق مواد مخدر شد و شروع به توزیع و خرید و فروش مواد مخدر کرد. هر چند وضع مالی‌اش روز به روز بهتر می‌شد اما نمی‌دانست ناله‌های خانواده افرادی که او باعث نابودی جوان‌هایشان شده بود بالاخره روزی دامنگیرش می‌شود. سرانجام یک روز که او سوار بر موتورسیکلت بود، گشت پلیس به او مشکوک شد و او را با مقدار زیادی شیشه و هروئین دستگیر کردند.

و این بار شایان به اتهام قاچاق مواد مخدر بازداشت شد. اما میزان موادی که به همراه داشت به قدری بود که قضات دادگاه عمومی و انقلاب برایش حکم اعدام صادر کردند.
بدین ترتیب شایان که 10 سال به خاطر قتل پشت میله‌های زندان بود و به طرز معجزه‌آسایی با رضایت اولیای دم از مرگ نجات یافته بود، برای دومین بار با حکم مرگ پشت میله‌های زندان افتاد.

مرضیه همایونی